



With thanks to **The Maurice Wohl Charitable Foundation** for their generous sponsorship of *Covenant & Conversation*. Maurice was a visionary philanthropist. Vivienne was a woman of the deepest humility. Together, they were a unique partnership of dedication and grace, for whom living was giving.

عهد و گفتگو: درس هایی پیرامون راهبری ربای لرد جاناتان ساکس تفسیر هفتگی تورات

לך לכה 5781

شهامت پیروی نکردن

Lech Lecha 5781: The Courage not to Conform

راهبران، راهبری می کنند. این بدان معنا نیست که آنها پیروی نمی کنند. اما آنچه آنها پیروی می کنند متفاوت است با آنچه بیشتر مردم دنبال می کنند. آنها به صرف پیروی، پیروی نمی کنند. آنها کاری را که دیگران فقط به پیروی از آدم های دیگر مرتکب می شوند، انجام نمی دهند. یک فراخوان و ندای درونی را دنبال می کنند. یک دورنما دارند از آنچه باید باشد و نه آنچه در حال حاضر هست. خارج از بسته بندی های موجود فکر می کنند. با آهنگی متفاوت حرکت می کنند.

این رفتار در هیچ جایی به عظمت نخستین کلمات خدا به ابراهیم تجسم نیافته است؛ کلماتی که تاریخ یهود را به حرکت درآوردند: "سرزمنیت، زادگاهت و خانه پدری ات را ترک کن و به سرزمینی برو که به تو نشان خواهیم داد. (پیدایش ۱: ۱۲).

چرا؟ زیرا مردم پیروی می‌کنند. مردم استانداردها را در پیش می‌گیرند و فرهنگ زمان و مکانی که در آن زندگی می‌کنند را دنبال می‌نمایند - "سرزمنیت". مردم در سطحی عمیقتر، زیر تاثیر دوستان و همسایگان هستند - "زادگاهت". از این عمیقتر، آنها زیر تاثیر والدین خود و خانواده ای که در آن پرورش یافته اند، هستند - خانه پدری ات".

خدا به ابراهیم می‌گوید که می‌خواهم متفاوت باشی. نه فقط به صرف متفاوت بودن، بلکه به خاطر شروع چیزی نوین: آیینی که قدرت و نمادهای قدرت را پرستش نکند، زیرا بت‌ها در اصل چنین نمادهایی بودند. خدا گفت که می‌خواهم "پس از آن به فرزندان و اهل خانه ات یاد بدهی که راه خداوند را از راه انجام آنچه درست و عادلانه است، پیروی کنند." (پیدایش ۱۸: ۱۹).

یهودی بودن یعنی خواست به چالش کشیدن توافق‌های جاری که همان‌گونه که اغلب رخ می‌دهد، ریشه در پرستش خدایان قدیمی دارند. یهودیان در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم در اروپا چنین کردند. آن زمان، دوران ناسیونالیسم و ملی‌گرایی بود: خواست قدرت زیر لوای ملت-دولت که به دو جنگ جهانی و ده‌ها میلیون کشته انجامید. ما در همین دوران به سر می‌بریم که کره‌ء شمالی سلاح‌های هسته‌ای دارد و ایران به دنبال دستیابی به آن است تا بتوانند بلندپروازی‌های خود را با توسل به قوای قهریه پیش ببرند. همین وضعیت امروز در خاورمیانه و آفریقا و ملت‌هایی دیده می‌شود که در خشونت سقوط کرده و وارد شرایطی شده‌اند که هابس آنرا "جنگ همه علیه همه نامید".^۱

¹ Thomas Hobbes, *The Leviathan*, ed. Richard Tuck (Cambridge, England: Cambridge University Press, 1991), part 1, ch. 13.

ما وقتی به بت‌ها را شکل‌های فیزیکی چون مجسمه، تصویر یا شمایل می‌دانیم، دچار یک اشتباه می‌شویم. در آن معنا بت‌ها به دوران باستان تعلق دارند که از آن بسی دور هستیم. فهم ما از بت‌ها باید متوجه این امر باشد که آنها چه چیزی را نمایندگی می‌کنند؟ آنها نماینده قدرت هستند. بت "راع" برای مصریان و "بعل" برای کنعانیان و شמוש برای موآبی‌ها، و "زیوس" برای یونانی‌ها چنین کارکردی داشتند و امروز، همین حکم را موشک‌ها و بمب‌ها برای قلمروها و کشورها دارند.

قدرت سیاسی به ما امکان می‌دهد که بر دیگران حکومت کنیم، بی‌آنکه توافق آنها را گرفته باشیم. به گفته تاریخ‌نگار یونانی، تاسیدیدس: "قویترها هر کار می‌خواهند انجام می‌دهند و ضعیفان، رنج‌مقرر را می‌کشند."² یهودیت، نقد محکم قدرت است. این نتیجه‌ای است که من پس از عمری مطالعه در متون مقدس ما گرفته‌ام. یهودیت شکل‌گیری یک ملت بر اساس تعهد متقابل و مسئولیت جمعی است. به این می‌پردازد که چگونه اجتماعی پدید آوریم که به انسان همچون آفریده‌ای به صورت و شباهت خدا احترام بگذارد. دورنمایی است از دنیایی بر اساس عدالت و شفقت که در آن "در کوه مقدس من آسیب و ویرانی به بار نمی‌آورند، زیرا زمین پر خواهد شد از شناخت خداوند، همان‌گونه که آب‌ها دریا را می‌پوشانند" (یشعیا ۹:۱۱)؛ دنیایی که هرگز به کمال، تحقق نیافته، ولی خواست آن هم هرگز رها نشده است.

ابراهیم بدون شک برجسته‌ترین انسانی است که تا کنون در دنیا زیسته است. امروزه او را راهبر معنوی ۲،۳ بلیون مسیحی، ۱،۸ بلیون مسلمان و ۱۴ میلیون یهودی، یعنی بیش از نیمی از مردم دنیا می‌دانند. اما او بر هیچ امپراتوری حکومت نکرد، بر هیچ لشکری فرمان نراند، هیچ معجزه‌ای اجرا نکرد و هیچ نبوتی انجام نداد. او نمونه‌ی برتر تاثیرگذاری بدون داشتن قدرت است.

² Thucydides, 5.89.

چرا؟ زیر او آماده شده بود که متفاوت باشد. چنانکه حکیمان می گویند او را *ha-ivri* یا عبرانی می نامیدند، زیرا "همهء دنیا یک طرف بود (*be-ever echad*) و او در طرف دیگر"³

راهبر، چنان که هر راهبری می داند، ممکن است تک و تنها بماند. اما او به کاری که باید، ادامه می دهد، زیرا می داند که همیشه حق با اکثریت نیست و عقل قراردادی همیشه بخردانه نیست. ماهی مرده همراه جریان آب می رود. ماهی زنده خلاف جریان آب شنا می کند. در مورد وجدان و شهامت نیز چنین است. فرزندان ابراهیم نیز چنین هستند. آنها آمادگی پیدا کرده اند که بت های زمانه خود را به چالش بکشند.

پس از هولاکاست برخی دانشمندان با این پرسش درگیر شده بودند که چرا این همه مردم، خواه با مشارکت فعال و خواه با توافق خاموش با رژیمی همراهی کردند که داشت یکی از بزرگترین جنایت ها علیه بشریت را مرتکب می شد؟ یک آزمایش تعیین کننده توسط سولومان آس انجام شد. او گروهی از مردم را جمع کرد و از آنها خواست که چند تمرین شناختی ساده انجام بدهند. به آنها دو کارت نشان دادند، یکی مجموعه ای دارای یک خط بود و دیگری مجموعه ای با سه خط با اندازه های متفاوت. او از آنها پرسید کدامیک از سه خط هم اندازه با خط تک هستند؟ دور از چشم یکی از شرکت کنندگان، آس از بقیه خواسته بود چند کارت اول را درست پاسخ بدهند و باقی را جواب غلط بدهند. در بخش قابل توجهی از موارد، فرد آزمایش شونده پاسخی داد که به وضوح می دید غلط است، اما از پاسخ غلط دیگران پیروی می کرد. قدرت وارد کردن فشار برای ایجاد پیروی نیز همین گونه عمل می کند: می تواند ما را به گفتن آنچه وادارد که به غلط بودنش باور داریم.

وحشتناکتر، آزمایش استانفورد بود که در اوایل دههء هفتاد قرن بیستم توسط فیلیپ زیملاردو انجام شد. شرکت کنندگانی به طور اتفاقی موظف شدند که به عنوان نگهبانان زندان در یک زندان

³ Genesis Rabbah 42:8

ساختگی به اجرای نقش‌هایی پردازند. پس از چندین رو دانشجویانی که به آنها نقش نگهبان زندان سپرده شده بود، رفتارهای آزارگری از خود بروز دادند و برخی زندانیان فرضی را مورد شکنجه روانی قرار دادند. دانشجویانی که نقش زندانی داشتند با این رفتارها برخورد منفعل داشتند و حتی در برابر آنهایی که مقاومت می‌کردند، طرف نگهبانان را می‌گرفتند. آزمایش پس از شش روز تمام شد درحالی که خود زیمباردو در واقعیت خود ساخته‌اش درگیر شده بود. فشار اطاعت از نقش‌های محول شده به حد کافی قوی است که آدم‌ها را به انجام کاری وادارد که می‌دانند نادرست است.

از این رو است که به ابراهیم در آغاز رسالتش گفته شد که "سرزمینت، زادگاهت و خانه پدری ات را ترک کن". راهبران باید آماده باشند که در صورت لزوم به نظر همگانی تسلیم نشوند. یکی از مهمترین نویسندگان کتاب‌های مربوط به راهبری به نام وارن بنیس می‌نویسد: "در زمانی که ما به سن بلوغ می‌رسیم، بیش از آنچه تصورش را بکنیم دنیا ما را شکل داده است. خانواده، دوستان و جامعه ما در کل از راه کلام و سرمشق به ما گفته‌اند که چگونه باشیم. اما افراد، زمانی آغاز به تبدیل شدن به راهبر می‌کنند که برای خود تصمیم می‌گیرند که چه گونه انسانی باشند."⁴

یک دلیل آنکه یهودیان نامتناسب با شمار خود در همه فضاهای تلاش انسانی به نقش‌های راهبری دست یافته‌اند، دقیقاً همین خواست آنها برای متفاوت بودن است. در طول قرون، یهودیان برجسته‌ترین نمونه گروهی بوده‌اند که از تحلیل رفتن در فرهنگ مسلط یا تغییر دین به دین غالب بوده‌اند.

یکی دیگر از یافته‌های سولومان آش شایان گفتن است. او تشخیص داد که وقتی فقط یک فرد دیگر خواهان حمایت از فردی بود که می‌فهمید دیگران جواب اشتباه می‌دهند، آنگاه او نیز قدرت ایستادن در برابر رفتار جمع را پیدا می‌کرد. از این رو است که یهودیان هرچند شمار اندکی دارند، اما

⁴ Walter Bennis, *On Becoming a Leader* (New York: Basic Books, 1989), 49.

انجمن های خود را پدید آورده اند. راهبری در تنهایی دشوار است، بسیار آسانتر می شود وقتی همراهانی داشته باشی حتی اگر در اقلیت باشید.

یهودیت صدای استدلال گر مخالف در گفتگوی بشریت است. ما به عنوان یهودیان از اکثریت تنها به این دلیل که آنها اکثریت هستند، پیروی نمی کنیم. دوران از پی دوران، قرن از پی قرن، یهودیان آماده انجام آنچه بودند که رابرت فراست در قالبی جاودانه بیان کرد:

دو راه در جنگل امتداد می یابند و من،

آن راهی را در پیش می گیرم که کمتر پیموده شده

و یکسره متفاوت است.⁵

چنین رفتاری است که ملتی از راهبران را پرورش می دهد.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org f t @ @RabbiSacks

The Office of Rabbi Sacks, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved • The Office of Rabbi Sacks is supported by The Covenant & Conversation Trust

⁵ Robert Frost, *The Road Not Taken, Birches, and Other Poems* (New York: H. Holt and Co., 1916), 10.